

بررسی لعن در زیارت عاشورا در قرآن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

◆ دکتر رضا شکرانی

✓ خلاصه مقاله

زیارت نامه عاشورا، از زیارت های معتبر و نیز مورد توجه تمامی شیعیان از عالمان تا عامیان می باشد. از جمله مطالبی که در این زیارت نامه به تکرار آمده است لعن بر قاتلان و مسیبان به شهادت رسیدن امام حسین (ع) است.

این مطلب؛ به شکل های گوناگون مورد تردید و اشکال قرار گرفته است. در این نوشتار به بیان یکی از شبهه های وارد شده بر لعن در زیارت نامه عاشورا و پاسخ آن از نگاه قرآن پرداخته می شود

✓ واژه های کلیدی :

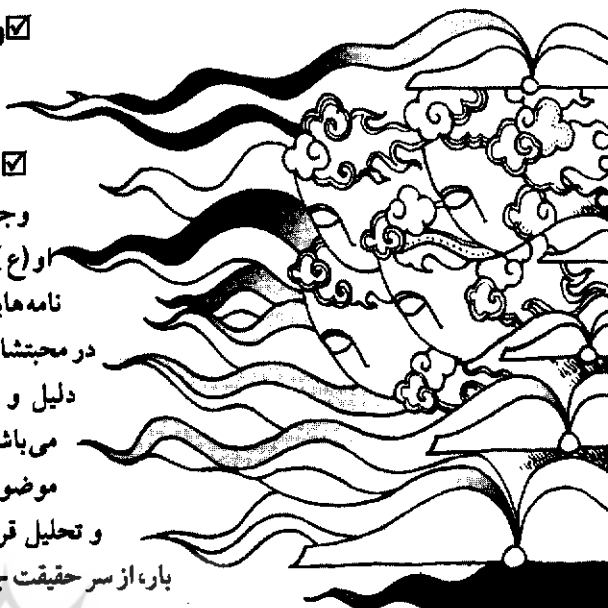
زیارت نامه ، عاشورا ، سند ، لمن ، لاحنان

✓ امدخل

وجود مقدس امام حسین (ع) و یاران بزرگوار او (ع)، قیام و شهادتشان، زیارت و زیارت نامه هایشان، مجالس ذکر و یادشان و گریه و سوختن در محبتشان، همه و همه آیه‌هایی روشن و بی نیاز از اقامه دلیل و برهان، و در دل‌های روشن به نور معرفت می‌باشد^(۱) اما این مطلب باعث آن نمی‌گردد که این موضوعات از منظر عقل و استدلال قرآن مورد بررسی و تحلیل قرار نگیرد و شبهه‌هایی که هر از چند گاهی یک بار، از سر حقیقت جوئی یا غرض ورزی در این باره مطرح می‌شود، پاسخ داده نشود. بر این اساس، بر آن هستیم به یکی از شبهه‌هایی که بر زیارت نامه امام حسین (ع) در روز عاشورا وارد می‌سازند، پاسخ گوئیم. زیارتی که حکایت عشق ورزی به همه خوبی‌ها و خوبان و طرد و لمن همه پلیدی‌ها و پلیدان است. شبهه مورد بحث پیرامون لعن‌های مکرر در این زیارت نامه است و خود به چند شبهه تقسیم می‌گردد که به خواست خداوند متعال طی چند مقاله به طرح این شبهات پرداخته و به پاسخ آن از منظر قرآن می‌پردازیم.

۱. نخستین شبهه: تقریر شبهه نخست پیرامون لعن‌های مذکور در زیارت نامه عاشورا آن است که اسلام دین رافت و رحمت است نه دین طرد و ابراز نفرت. دینی است که برای پیوند دل‌ها آمده است و نه برای جدائی، وجود این همه لعن در این زیارت نامه و ابراز این همه نفرت، با روح پر لطافت اسلام سازگار نیست. شبهه افکنان، برای اثبات نظریه خود، به آیات و روایات و حتی داستان‌هایی از برخورد امام حسین (ع) با دشمنان خود استناد می‌کنند، که البته همه نیز در جای خود درست بوده یا می‌تواند درست باشد و به این ترتیب برآند متن زیارت نامه عاشورا را زیر سؤال ببرند، یا لاقلاً بخش‌هایی از آن را که در بردارندهٔ لعن است مورد تردید قرار دهند.

نخست سند زیارت نامه عاشورا را مورد بررسی قرار می‌دهیم که البته این بررسی سند تنها به منزله تحیکم استناد صدور این زیارت نامه به امامان شیعه بوده و برای شیعیان و پیروان مکتب تشیع مفید و نافع می‌باشد. آنگاه لعن را از نگاه لغت و قرآن به بررسی می‌گذاریم و سرانجام این شبهات را از منظر قرآن و با استناد به آیات قرآنی پاسخ می‌گوئیم.



کتاب‌های زیارت نامه عاشورا:

زیارت نامه عاشورا را از عالمان و محدثان پیشین شیعه ابوالقاسم جعفر بن قولویه (ره)^(۱) در کتاب کامل الزیارات^(۲) و شیخ الطایفه، محمد بن حسن طوسی (ره) در کتاب مصباح المتعبد، با اندک اختلافی در برخی عبارات متن زیارت نامه، به نقل از امام باقر (ع) آورده‌اند.

جایگاه والای علمی و وثاقت جعفر بن محمد بن قولویه، نزد محدثان و رجال شناسان شیعه و عامه، ثابت شده و غیر قابل انکار است. شیخ طوسی در الفهرست و شیخ نجاشی در کتاب رجال خود و علامه حلی به نقل از نجاشی در کتاب خلاصه الاقوال او را به بهترین تعبیر ستوده‌اند. نجاشی در باره او می‌نویسد: «ابوالقاسم، از موثق‌ترین عالمان شیعه و از بزرگان آنها در حدیث و فقه بوده. استاد ما ابو عبدالله [شیخ مفید] فقه را از او فراگرفت و مردم به هر صفتی از صفات نیک و عدالت و فقاقت توصیف شوند، او از آن توصیف برتر است».

از این گذشته، در علم رجال که به بررسی حال راویان احادیث از نظر عدالت و وثاقت پرداخته می‌شود، یکی از معیارهای موثق بودن ناقلان حدیث شهادت و گواهی یک راوی موثق به وثاقت و عدالت راوی یا راویان دیگر، دانسته شده است. بر این اساس مرحوم آیت الله العظمی خوئی که

سخت‌گیری او درباره رجال حدیث از مقدمه کتاب معجم رجال الحدیث او به دست می‌آید هم عقیده با مرحوم شیخ حر عاملی، به وثاقت جمیع راویانی که در اسناد روایات کتاب کامل الزیارات آمده‌اند، حکم می‌کند (۴) زیرا جعفر بن محمد قولویه به عنوان یک عالم کاملاً موثق و مورد اعتماد متقدمان شیعه، در مقدمه کتاب خود، کامل الزیارات می‌نویسد.

«قطعا ما به تمامی آنچه از امامان معصوم (ع) چه در زمینه زیارات و چه در غیر این زمینه نقل شده است، آگاهی نداریم ولی آنچه را از ناحیه عالمان موثق و مورد اعتماد ما (رحمهم الله) به دست ما رسیده است نقل می‌کنیم». با توجه بدانچه بیان شد سند زیارت عاشورا به روایت کتاب کامل الزیارات مورد قبول است و قابل اعتماد است البته مؤلف کتاب شفاء الصدور پس از بررسی احوال یکایک راویان زیارت نامه عاشورا بر اساس روایت کتاب کامل الزیارات با موشکافی‌های دقیق حکم به حسن سند دوم کامل الزیارات می‌کند: (۵)

اشاره شد که شیخ طوسی نیز زیارت نامه عاشورا را در مصباح المتعبد نقل نموده است. نقل وی با نقل مؤلف کامل الزیارات، اندک اختلافی در سند و متن دارد؛ اما از نظر مؤلف کتاب شفاء الصدور سند زیارت نامه عاشورا بنا بر روایت مصباح المتعبد، صحیح است و احتمال بعید می‌دهد که حسن باشد (۶) و پس از بررسی تفصیلی سند، در دو کتاب مذکور چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«بالجمله اعتبار سند روایت محل شک نیست و عمل شیعه در تمامی اعصار و تطاول



ایام به این روایت بوده است و او را از آورد لازمه و اذکار دائمه خود غالباً قرار داده‌اند و از انضمام این قرائن، مقطوع الصدور است؛ با وجود اینکه برخی سندهای او صحیح و بعضی دیگر حسن است فی الجمله در وثاقت سند او بر مشرب تحقیق به هیچ وجه جای تامل نیست.»

❑ لعن از نگاه قرآن

امامان شیعه (ع) همواره به پیروان خود توصیه نموده‌اند در تشخیص درستی یا نادرستی هر سخنی که بدانان نسبت داده می‌شود، آن سخن را بر قرآن و سنت قطعی پیامبر (ص) عرضه نمایند و چنانچه آن سخن با قرآن یا سنت قطعی پیامبر موافق بود پذیرفته و در غیر این صورت با ملاک‌های دیگری که فرموده‌اند و در دانش اصول فقه و علم درایه الحدیث آمده است به رد یا قبول آن پردازند. بر همین اساس در این بخش به بررسی لعن از نگاه قرآن پرداخته و آنگاه، لعن در زیارت نامه عاشورا را بر قرآن عرضه می‌کنیم تا به انطباق یا عدم انطباق آن با قرآن پی ببریم:

واژه لعن یکی از واژه‌های پر کاربرد در قرآن است که همین نکته بر کلیدی بودن این بحث از منظر قرآن دلالت دارد. این واژه و مشتقات آن، چهل و یک بار در هفده سوره قرآن آمده است که توزیع آن بر اساس سوره‌ها به شکل زیر می‌باشد:

- ۱- سوره بقره آیات- ۸۹ ۱۵۹ ۲۸۸- سوره آل عمران آیات- ۶۱ ۳۸۷- سوره نساء آیات - ۱۸ ۹۳ ۵۲
- ۲- سوره مائده آیات - ۷۸ ۶۴ ۶۰ ۱۳ ۵- سوره اعراف آیات - ۴۴ ۳۸ ۶- سوره توبه آیه- ۷۶۸-
- ۳- سوره هود آیات- ۹۹ ۶۰ ۱۸۸- سوره رعد آیه- ۹۲۵- سوره حجر آیه- ۱۰۳۵- سوره اسراء آیه- ۱۱۶۰- سوره نور آیات - ۲۳ ۱۲۷- سوره قصص آیه- ۴۲ ۱۳- سوره احزاب آیات - ۶۸ ۶۴ ۶۱ ۱۴۵۷- سوره ص آیه ۱۵۷۸- سوره غافر آیه ۵۲ ۱۶- سوره محمد (ص) آیه ۲۳ ۱۷- سوره فتح آیه ۶

البته در بعضی آیات این واژه و یا مشتقات آن چند بار تکرار شده است. در این آیات

هم سخن از کسانی شده است که لعن می‌کنند و هم به

کسانی که مورد لعن قرار می‌گیرند چه به صورت

مصدیقی و چه به صورت کلی تصریح شده است

و هم دلیل لعن و هم نحوه لعن بیان گردیده است که در

ادامه به بررسی آن می‌پردازیم اما شایسته است قبل از آن

نخست معنی واژه لعن را بررسی کنیم.

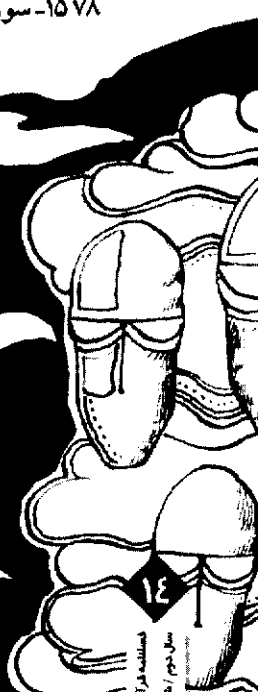
❑ معنی واژه لعن:

واژه شناسان و مفسران اتفاق نظر دارند که واژه لعن به

معنی «طرد» (به فارسی راندن) و ابعاد، (به فارسی دور

کردن) از روی خشم می‌باشد و بنابراین وقتی

کسی دیگری را لعن می‌کند در واقع او راننده خشم



خود می سازد. راغب می نویسد: «لعن از جانب خدا در آخرت عقوبت خداست و در دنیا جدا شدن از رحمت و توفیق خداست. و وقتی انسانی، دیگری را لعن می کند در واقع او را نفرین می کند.»^(۷) طریحی می نویسد: «عرب هرگاه یکی از میان آنها سرپیچی و تمرد می کرد او را از خود دور کرده و می راندند تا جرائد و گناهان او بدانان نرسد. آنگاه می گفتند لعن بنی فلان.»^(۸)

و مرحوم طبرسی در تفسیر خود می نویسد: «لعن عبارت است از دور ساختن»^(۹) «و لعنت از جانب مردم تنها به صورت درخواست و طلب است و از جانب خداوند به صورت حکم و فرمان»^(۱۰) در همین راستا علامه طباطبائی، ذیل عبارت «اولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللاعنون» از آیه ۱۵۹ سوره بقره چنین می آورد: «در این آیه لعن دوبار تکرار شده است زیرا لعنت خدا با لعنت غیر خدا متفاوت است، لعن از جانب خدا به این معنی است که خداوند ایشان را از رحمت و سعادت دور کند و از جانب لعنت کنندگان در خواست لعنت خدا است.»^(۱۱)

و ابن عربی درباره لعن چنین می گوید: «لعن یعنی طرد و يلعنهم الله یعنی بترد هم الله عن کل ما فيه راحة لهم و خیر فی الدار الاخرة، خداوند آنها را لعن می کند یعنی خداوند آنها را از هر چه در آن آسایش آنها و خیر آن در سرای آخرت است دور می سازد»^(۱۲)

❑ لاهنان یا لعنت کنندگان از نگاه قرآن:

در این مرحله از بحث به بررسی کسانی که فاعل لعن هستند می پردازیم؛
با بررسی آیات مربوط به لعن در می یابیم هشت گروه یا فرد به لعن می پردازند که تفصیل آن به شرح زیر می باشد
۱. خداوند متعال:

در بیش از بیست مورد از آیات لعن، فاعل لعن (لاعن) خداوند متعال است که این فعل خدا، هم به صورت ماضی آمده مثل «من لعنه الله» و هم به صورت مضارع: «اولئك يلعنهم الله» و هم به صورت مصدر «الا لعنه الله علی الظالمین» که این دلالت بر تحقق لعن «گذشته از جانب خدا و استمرار تجدیدی آن در حال و آینده دارد.

۲. کارگزاران خداوند:

خداوند متعال در موارد متعددی خود را علاوه بر اسناد به ذات مقدس خود به دیگران نیز نسبت می دهد و به صورت فعل متکلم مع الغیر بیان می فرماید مانند «انا انزلناه فی ليله القدر؛ ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم» یا «ارسلنا الرياح ما باد را فرستادیم». بنابر برخی روایات؛ کسانی که خداوند در این موارد فعل خود را بدانان نسبت می دهد فرشتگان هستند و بنابر برخی روایات، (ائمه علیهم السلام) می باشند. از جمله افعال خداوند که به صورت جمع بیان شده است «لعن» است چنانکه در سوره نساء آیه ۴۷ می فرماید: «... نلعنهم کما لعنا اصحاب السب»؛ «یا همانگونه که اصحاب سب را لعن نمودیم آنان را لعن می کنیم».

۳. انبیاء:

از جمله انبیاء که تصریح به لاعن بودن آن شده است حضرت داوود و حضرت عیسی (ع) است. در سوره مائده آیه ۷۸ می فرماید «لَمَنْ الذِّینَ کَفَرُوا مِنْ بَنیِ اسْرَائِیلَ عَلی لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِیْسَى بِنِ مَرْیَمَ» کسانی که از میان بنی اسرائیل کافر شدند با زبان داوود و عیسی بن مریم لعن شدند؛ قطعا اسناد لعن کردن به پیامبر به عنوان یک عمل ناشایست از جانب آن پیامبر مطرح نمی باشد. نیز در سوره آل عمران آیه ۶۱ در داستان مباحله به پیامبر اسلام دستور می دهد با مباحله لعن خدا را نثار کسانی کنند که در ادعای حقانیت خود، دروغگو هستند

۴. ملائکه:

در آیه ۸۶ سوره آل عمران می فرماید «اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة و الملائکه و الناس اجمعین» که در بخش بعدی مقاله پیرامون این آیه توضیح خواهیم داد

۵. مردم:

این گروه در آیه مورد قبل با کلمه «الناس» بدان تصریح شده است. نکته ای که در این مورد قابل توجه است آنکه، مردم به طور مطلق در این آیه آمده است؛ یعنی مراد مردم مؤمن یا مسلمان یا اهل کتاب نیست بلکه اصولا نفرین انسان ها گریبانگیر ملعونین مذکور در آیه می باشد.

۶. مؤذن در میان بهشتیان و جهنمیان:

در سوره اعراف آیات ۵۳ تا ۴۴ داستانی آمده است که صحنه ای از قیامت را ترسیم می کند. تفسیر این آیات و تحلیل علامه طباطبائی از این آیات خواندنی است^(۱۳) از جمله مطالبی که در این داستان آمده است آن است که مؤذنی میان بهشتیان و جهنمیان ندا می دهد لعنت خدا بر ستمکاران: «فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی الظالمین» (سوره اعراف آیه ۴۴). بنابر روایات شیعه و تحلیل صاحب تفسیر المنار و مفسر کبیر علامه طباطبائی از روایات مذکور، این مؤذن، حضرت علی (ع) است^(۱۴)

۷. اهل دوزخ:

در قیامت هر گروه از اهل دوزخ که تازه به جهنم در می آیند گروه دیگر را لعن می کند «کلما دخلت امة لعنت اختها» (اعراف، ۳۸).

۸. لاعنان:

در سوره بقره آیه ۱۶۰ - ۱۵۹ می فرماید: «ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما یتناه للناس فی الکتب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا فاولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم». آنان که نشانه های روشن و رهنمودی را که فرو فرستادیم پس از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح دادیم، کتمان می کنند اینان را هم خدا لعنت می کند و هم لعنت کنندگان مگر آنان که توبه کنند و گذشته ها را اصلاح کرده [و آنچه را کتمان کرده آشکار کنند، اینان را بر آنها بازگشت خواهم نمود می دانیم که الف و لام بر سر اسم مشتق و از جمله اسم فاعل به معنی موصول است بنابراین مراد از «اللاعنون»، «الذین یلعنون» می باشد به عبارت دیگر «اللاعنون» یعنی «کسانی که لعن می کنند» با این توضیح، مراد از «اللاعنون» در این آیه یا لعن کنندگانی هستند که تا به اینجا بر اساس آیات بر شمردیم؛ یعنی علاوه بر خداوند متعال، کارگزاران

خدا، انبیاء؛ حضرت علی (ع)، ملائکه، مطلق مردم و اهل دوزخ، به چنین افرادی لعن می کنند؛ یا مراد از «اللاعنون» علاوه بر موارد بر شمرده، هر کس و هر چه که بتواند به اذن خدا لعن کند، می باشد که البته احتمال اول قدر مسلم و قطعی است.

نتیجه:

با توجه بدانچه تا بدینجا بیان شد؛ اگر لعن به مورد درست و مصداق مسلم آن تعلق گیرد نه تنها با روح اسلام و تعالیم قرآن منافات ندارد بلکه چنین لعن کننده ای کار خدا و ملائکه و انبیاء و اولیاء را در این دنیا انجام داده است و بدین ترتیب اشکال اول پاسخ قرآنی می یابد. اما برای اینکه بدانیم مصداق درست و مسلم ملعونین چه کسانی اند در نوشتاری دیگر به بررسی ملعونین از نگاه قرآن می پردازیم.

شناخت نامه مأخذ

۱- قرآن کریم

۲- ابن عربی، محی الدین: رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، جمع و تالیف: محمود محمود الغراب، ۲ جلد، چاپ اول، مکتبه نصر، دمشق، ۱۴۱۰ هـ. ق، ۱۹۸۹ م.

۳- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، یک جلد، چاپ اول، نشر صدوق، تهران ۱۳۷۵ هـ. ش.

۴- خوئی، سید ابوالقاسم: معجم رجال الحدیث، ۲۳ جلد، چاپ چهارم، دارالزهراء الطاعة و النشر، بیروت، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۵- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین ابن محمد: المفردات فی غریب القرآن یک جلد، دارالزهراء الطاعة و النشر، بیروت، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۶- طباطبائی، سید محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۲ جلد، چاپ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ هـ. ش.

۷- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، چاپ دوم، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۸- طریحی، فخرالدین: مجمع البحرین البحرین، ۶ جلد، چاپ اول، دار مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۵ میلادی.

۹- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن: مصباح المتجهد، یک جلد، چاپ اول، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ هـ. ق ۱۹۹۶ میلادی.

۱۰- طهرانی، میرزا ابوالفضل: شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، تحقیق علی موحد ابطحی، ۲ جلد، چاپ سوم

بہی نوشتہا:

۱. خداوند متعال، در سوره عنکبوت، آیه ۴۸، برای حقانیت قرآن، استدلال بر آئی بودن پیامبر می‌کند و چنین می‌فرماید: «وما کنت تتلو من قبله من کتاب ولا تخطه بيمينک اذ الارتاب المبطلون» «تو قبل از بعثت هیچ کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی (چرا که در این صورت) شبیه افکنان در (پیامبری) تو تردید می‌کردند». و سپس به دنبال آیه می‌فرماید «بل هو آيات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم». یعنی (واقع مطلب این است که حقانیت قرآن برای همگان نیازمند استدلال نیست زیرا) قرآن، آیه‌هایی روشن در سینه‌های کسانی است که به وادی معرفت راه یافته‌اند.

۲. وی فرزند این قولویه که مدفون در مقبره شیخان قم است. می‌باشد اما آرامگاه صاحب کامل الزیارات در کاظمیه، کنار قبر شیخ مفید می‌باشد.

۳. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد، کامل الزیارات، باب هفتاد و یکم، صص ۷-۱۹۳.

۴. خوئی، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۰، البته همانطور که آن مرحوم در ادامه سخن خود می‌نویسد «چنین توثیقانی تا وقتی معتبر است که با دلیلی معارض مواجه نشود».

۵. طهرانی، حاج میرزا ابوالفضل، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور به تحقیق سید علی موحد ابطحی، ج اول ص ۶۹-۷۲

۶. پیشین، صص ۶۹-۶۴

۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن صص ۲۵۰.

۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۰۹.

۹. طبرسی، ابوالفضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۸۵.

۱۰. پیشین، ص ۴۴۴.

۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۳۹۰.

۱۲. ابن عربی، محی الدین، ایجاز البیان فی الترجمة عن القرآن، چاپ شده در ذیل رحمة من الرحمن، ج ۱، ص ۳۳۵.

۱۳. المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۸، صص ۱۷۲-۱۴۸.

۱۴. پیشین، صص ۱۷۶-۱۷۳.

